

گزیده‌هایی از

کفتارهای عرفانی

حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علی‌شاه)

صد و هفتاد و هشتم

فهرست

جزوه صد و هفتاد و هشتم

برگرفته از گفتارهای عرفانی - بهار ۱۳۹۲

عنوان

صفحه

در مورد ازدواج / خداوند می خواهد شما به میل خودتان آن امری که خدا می کند، انجام بدهید / باید عبادت را با شوق و لذت انجام بدهید / در ازدواج، هم برای شما آرامش و سکینه قرار داده و هم بین شما دوستی و رحمت قرار داده است / در زندگی ببینید وقتی که هر گرفتاری دارید، اگر نقص از هر کدام است، خودش باید رفع کند / در مورد اینکه بعضی می نویسند که شوهرم به من خیانت می کند یا بطور صریح یک زن دیگر گرفته است / خانواده را به هیچ قیمتی به هم نزنید. ۱۰

در مورد ذکر و فکر، یادآوری ذکر در هر صورتی و در هر وضعیتی مفید است / در مورد اینکه می گویند: المأمور معذور؛ هیچ مأموری معذور نیست / در مورد جریانات کربلا و عبرت گرفتن در همه کاری. ۱۵

اسلام با جنگ موافق نیست با صلح موافق است / در دین
اکراهی نیست برای اینکه دین مربوط به دل است و دل
هیچکس هم در اختیار دیگری نیست / در مورد منشور
کوروش که می‌گوید: خدا ما را از جنگ و حسادت و قحطی
حفظ کند و می‌گوید: پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک /

در مورد جنگ و کشتن انسان‌ها. ۱۸

درباره‌ی اینکه مؤمن دروغ نمی‌گوید / در مورد اینکه چرا
سیزده را نحس گرفتند / سیزده بدر رسم خوبی است که ما
همه‌ی این نحوست‌ها و این بی‌توجهی به خداوند و فقط
توجه به کار دنیا کردن را نحس می‌گیریم، به طبیعت رو

می‌آوریم و می‌گوییم به در شد. ۲۰

خداوند علاقه‌مند است که بندگانش همه به هم مهربان
باشند، با هم یکی باشند و این را امر مهمی می‌داند / خداوند
أنس و ألفت را از نعمات الهی می‌داند / مهمترین عبادتی که
می‌توانیم بکنیم این است که تمام نزاع‌ها، کدورت‌ها از بین

فقرا برداشته شود. ۲۲

نوع بشر قابلیت این را دارد که از همه بالاتر باشد / هر
موجودی را به آنچه عمل کرده است پاداش می‌دهد / بدون
زحمت‌کشی متوقع هیچ چیزی نباشید، زحمت هم که

کشیدید، متوقّف نباشید ولی آرزومند ده برابر آن باشید. ۲۴.....

در مورد مشورت / مشورت این نیست که هر چه مشاور گفت، شخص باور کند / از صفات و علائم مؤمنین می‌فرماید: اینهایی هستند که کارهایشان با مشورت بین هم است / درباره‌ی تعقل و تشخیص / انسان جایز الخطا است / با توجّه به آن عقلی که خداوند داده باید تصمیمی بگیرید / مشورت با کسی کنید که در آن رشته‌ی مورد مشورت و مسأله‌ی مورد نظر، پیش‌کسوت باشد و از خود آدم بیشتر تجربه دارد / مشاور بودن خداوند در همه‌ی کارهای ما با قرآن که اگر کمی بخوانیم، می‌بینیم

جواب ما آنجاست. ۲۶.....

زندگی دنیایی مان را تباه نکنیم به امید اینکه زندگی آخرتمان را آباد کنیم / درباره‌ی مثلی که می‌گویند: دنیا مزرعه‌ی آخرت است / در مورد ازدواج و مسائل اقتصادی / درباره‌ی رو راست بودن در ازدواج؛ لزومی ندارد هر چه در زندگیش گذشته، به طرف بگوید. وضعیت الانش را هر کسی باید بگوید که من این هستم / ملک برای خداست و همه چیز متعلّق به خداست، اگر هم می‌گویند فلان کس مالک است، خدا آن مالکیت را در آن قسمت ممکن است به او

داده باشد. ۳۰.....

عاشق آن است که در معشوقش جز حُسنی نبیند / در مورد حُسن و عشق / در عالم خلقت خداوند، زمان معنی ندارد / الْأَرْوَاحُ جُنُودٌ مُجَنَّدَةٌ؛ ارواح ما یک لشکر منظمی است، هر جا که هم جنس باشد با هم ائتلاف می کنند / در مورد اینکه مثلاً یکی را می بینید، همان جلسه اول می گوئید به نظر آدم

بدی می رسد یا به نظر آدم خوبی می رسد. ۳۳.....

عباراتی که در قرآن آمده، عین حرفی است که خدا گفته، معنای تنها نیست / در مورد عباراتی از قرآن که ظاهراً متناقض است ولی متناقض نیست / هیچگونه تضادی بین دستورات اسلام نیست / باید توجه کنیم در هر موقع آن دستوری که مربوط به آن موقعیت است، تشخیص بدهیم و رعایت کنیم / درباره‌ی تفسیر قرآن / در مورد اینکه خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در آیات قرآن واقعاً به مؤمنین

است یا منظور آنهایی است که تسلیم حکومت هستند؟ ۳۶

در مورد ارج داشتن مجلس شب جمعه و شب دوشنبه / ما حتی برای عبادات می گردیم فوایدش را پیدا کنیم ولی ما برای فایده، آن کار را نمی کنیم / حضور ما در مجلس فقری برای امر خداست و نه برای اینکه فایده ببینیم / نیتمان

همیشه در اطاعت امر خدا خالص باشد / حضور در مجالس
شب جمعه و شب دوشنبه بالاتر از دوره‌ی دوستانه است،
این دعوت به اتاق انتظار خداوند است / یاد خدا یعنی یاد
وجود خودتان / در مورد دستورات حضور در مجالس فقری /
در مجلس رعایت آرامش فکری و شادی نزدیکان و سایر
مؤمنین را داشته باشیم ۴۰

فهرست جزوات قبل ۴۶

با توجه به آنکه حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه) پاسخ نامه‌ها و سؤالات را، عموماً در جلسات فقری بیان می‌فرمایند و امکان پاسخ جداگانه به تک تک نامه‌ها و سؤالات نمی‌باشد، لطف نمایید مطالب جزوات بیانات را قبل از طرح سؤال به دقت مطالعه بفرمایید. فقط کسانی جزوات را بگیرند که مطالعه می‌کنند، نه اینکه بگیرند و گوشه‌ای بگذارند.

خواهشمند است به منظور دسترسی هر چه بیشتر علاقه‌مندان به خصوص فقرا و سایر مؤمنین به این جزوه و سایر جزوات بیانات، در صورتی که بیشتر از یک جلد موجود دارید، لطف نموده به سایرین هدیه نمایید. با توجه به آنکه تهیه‌ی جزوات بیانات، مستقل از هر مؤسسه‌ی خیریه و انتشاراتی صورت می‌گیرد، خواهشمند است جهت اعلام سفارش و آشنایی با نحوه‌ی اشتراک، با شماره‌ی تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ تماس حاصل فرمایید.

بدینوسیله از همه‌ی کسانی که در تکثیر این جزوه و سایر جزوات بیانات، توفیق خدمت مالی داشته‌اند، سپاسگزاری می‌شود. مطالعه‌ی جزوات از طریق سایت اینترنتی ذیل نیز امکان‌پذیر می‌باشد. در این سایت، جزوات به تفکیک و شامل: مجموعه‌ی جزوات گفتارهای عرفانی، مکاتیب عرفانی، شرح رساله شریفه پندصالح، گفت‌وگوهای عرفانی، جزوات موضوعی (استخاره، اختلافات خانوادگی، حقوق مالی و عشریه) و... می‌باشد. همچنین در این سایت امکان جستجوی موضوعی در خصوص مطالب مورد نظر، نیز وجود دارد.

WWW.JOZVEH121.COM

هر کسی نامه می نویسد یا مطلبی می گوید، توقع دارد که جواب آن را بدهم و لاقلاً همان پنج خط که او نوشته، من دو خط بنویسم. همان را هم نمی رسم. الان مدتی است دیگر تقریباً نمی توانم بنویسم. خواهش کردم به فهرستی از مطالب گفته شده که هر مرتبه پیاده می شود و منتشر می گردد نگاه کنند، حتماً راجع به مطلب سؤال شده، صحبت کرده ام. دیگران هم که سؤالات مشابه دارند استفاده کنند. برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۸۷/۹/۳۰ ه. ش.

یکی پرسیده که دوبار نامه نوشته ام جواب ندادید. آخر می گویند التماس دعا، من جواب این را چه بگویم؟ جوابی ندارید. همان فرمایش حضرت صالح علیشاه که یکبار گفتم. فرمودند: همان لحظه ای که آنها سلام می رسانند، التماس دعا می گویند، همان لحظه، دعا و خواسته شان به ما رسیده است.

فرض کنیم از هر کسی یک سؤال می رسد. اگر در جواب اینها، یک خط هم بنویسیم، خود این یک کتاب بزرگی می شود. این است که توقع اینکه برای هر سؤال، خود آن شخص را بخواهیم و با هم صحبت کنیم، نمی شود این کار را کرد، نمی رسیم.

بنابراین درباره ی سؤال که در ذهنتان پیدا می شود، حتماً جواب داده ام. این جزوه هایی هم که درمی آید، بپرسید که چه موقعی جواب داده ام، همان را بگیرید بخوانید و بعد اگر پیدا نکردید آنوقت بیایید و بپرسید. مثلاً می نویسند شش بار نامه نوشتیم، جواب ندادید. بله، اگر ده بار هم مطلبی که مربوط به من نیست را بنویسید، چه جوابی بدهم؟

برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۲/۴ ه. ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

در قرآن و در همه‌ی رشته‌های علوم اجتماعی همه‌ی متخصصان، ازدواج را واجب می‌دانند یعنی واجب نه واجب شرعی، واجب یعنی لازم است و جهتشان هم این جهتی است که قرآن بیان کرده البته نه به صورت جهت بلکه به صورت نعمت‌های الهی که می‌فرماید: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً^۲، از آیات خداست، از نشانه‌های خداست یعنی یک قدرتی مافوق قدرت ما که مقرر کرده است و آن این است که جفتی، همسری از جنس خودتان یعنی از همین بشری که در همین کره‌ی زمین هست، برای خودتان انتخاب کنید. نفرموده است صبر کنید وقتی که کشف کردید، رفتید به کره‌ی مریخ، از آن زن‌های مریخی بگیرید یا از آن شوهرهای مریخی، نه! از جنس خودتان.

خداوند می‌خواهد شماها به میل خودتان آن امری که خدا می‌کند، انجام بدهید. حتی دارد در همه‌ی عبادات که اگر نماز مثلاً نماز ظهر، نماز صبح، نماز هرچی، خسته شدید حالش را ندارید، البته آن امر سر جای خودش هست که به هرجهت باید نماز را

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱۰ ه. ش. (جلسه خواهران ایمانی)

۲. سوره روم، آیه ۲۱.

بخوانید ولو مریض هم باشید، باید نماز مریض بخوانید ولی اگر با ناراحتی بگویید: این دیگر چیست؟ باید حالا نماز بخوانم؟ نه، خداوند می‌گوید: من که مجبورت نکردم، نخوان، به دَرَك. آن خودش یک گناهی دارد که با ناراحتی عبادت کنید و حال آنکه باید عبادت را با شوق و لذت انجام بدهید. خداوند برای اینکه این کار را بکند، بین شما مودّت ایجاد کرده یعنی در ازدواج زن متمایل به مرد است و مرد متمایل به زن است و دوستی هم ایجاد کرده، مَوَدَّةٌ وَرَحْمَةٌ و بین شما آرامش ایجاد کرده، چرا ازدواج می‌کنید؟ می‌گوید: لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا برای اینکه آرامش پیدا کنید لَتَسْكُنُوا. سَكَنَ همان سکینه است در جاهایی خداوند فرمود: سکینه بر قلبش نازل کردیم، بر قلب پیغمبر. تفسیرهای مختلف می‌کنند یکی از تفسیرها همین است که در ازدواج، هم آرامش و سکینه برای شما قرار داده و هم بین شما دوستی و رحمت قرار داده است.

این را همیشه در نظر داشته باشید، خداوند به شما یک وعده داده، یک مژده داده که شما همه‌ی وظایفتان را رفتار کنید، این وظیفه را که رفتار کردید رحمت شامل شما می‌شود، مودّت داشته باشید، همیشه زوجین این فکر را بکنید، زن و مرد، که اگر با هم مودّت نداشته باشند مثل اینکه خدا را مسخره کردند. خدا می‌گوید: بین شما مودّت باید باشد، خودتان آن را به هم می‌زنید!

پس ببینید وقتی که هر گرفتاری دارید، اگر نقص از شماست، از هر کدام است، خودش باید رفع کند. یکی از نقص‌های مهم این است که غالباً من دیدم می‌نویسند: فهمیدم که مثلاً شوهرم به من خیانت می‌کند یا بطور صریح یک زن دیگر گرفته. اولاً شوهرت خیانت نکرده چون این تعهد در ازدواج نشده که دیگری را نگیرد. حتی فقها می‌گویند که اگر چنین شرطی هم در قرارداد، در ازدواج ببندند، غلط است مگر اینکه یک جریمه‌ای برایش مقرر کنند آن جریمه را بدهد. نمی‌شود جلوی او را گرفت یعنی می‌گویند اجازه‌ای که خدا داده، کسی نمی‌تواند جلوی او را بگیرد. فقط طرف می‌تواند یک خسارتی، یک چیزی بگیرد. بالاترین حسنش هم این است که اگر زنی یک چنین شوهری داشت که زن و بچه را ول کرد رفت، این شوهر به درد نمی‌خورد، بهتر این است که بیرونش بیندازید، منتها می‌توانید یک جریمه‌ای برایش معین کنید، و الا این خیانت تلقی نمی‌شود. وقتی می‌گویید خیانت کرده، اولاً از لحاظ حقوقی یک اتهام است، یک گناهی به او نسبت دادید، گناهی که نکرده است. به علاوه خودتان بیشتر ناراحت می‌شوید تا او. او دیگر به اندازه‌ی کافی ناراحت شده، همیشه از ترس اینکه رازش را بفهمند ناراحت است.

بنابراین شما هم ناراحت نشوید، به فکر عاقلانه بیفتید که

چرا اینطور شد؟ خیلی‌ها هم هستند، من دیدم، شنیدم که با وجود اینکه همسرشان یعنی مردانی که همسرشان دائمی مریض است یا زنانی که اینطور هستند، تحمّل می‌کنند، با مهربانی زیاد رعایت می‌کنند. همیشه این تصوّر را هم داشته باشید، چه مرد و چه زن که این همسر شما، فقط همسر شما نیست، یک انسان است یک مخلوق خداوند است، هر مخلوقی شما ببینید که دارای این گرفتاری‌ها باشد، او را پرستاری می‌کنید. اینها را با تحمّل و با مهربانی حل کنید، به هیچ وجه با داد و بیداد و جنگ حل نمی‌شود برای اینکه جنگ یک رابطه‌ای را می‌بُرد ولی هر طور فکر می‌کنید، برای زندگی بعد خودتان فکر کنید. ان شاء الله گرفتاری نداشته باشید و ایجاد نشود ولی اگر هم ایجاد شد باید مثلی است می‌گویند:

چو در طاس لغزنده افتاد مور

رهاننده را چاره باید نه زور

شاید معنی این را خیلی‌ها نمی‌دانید، معنی ظاهری آن معلوم است ولی ما که از اوّل در خانواده‌ی کشاورزی بودیم، در باغ‌ها می‌بینیم که یک حیوانی هست، مورچه خوار یا مورچه گیر می‌گویند. این یک شکل انگشتانه در خاک‌های نرم درست می‌کند، مورچه‌ای که از آنجا رد می‌شود، داخل این می‌افتد

نمی‌تواند بیرون بیاید. یک چیز کوچکی است به اندازه‌ی یک انگشتانه، منتها چنان نرم و لیز است که مورچه می‌افتد، تشبیه کرده که اگر انسانی هم در یک ناراحتی اینطوری افتاد، دیگر زور فایده ندارد، چاره باید کرد یعنی باید فکر کرد و با فکر حل کرد.

یکی از این دستوراتی که خدا در مورد این فکر داده، به پیغمبر می‌فرماید که همین‌هایی که با تو دشمن هستند، اگر با آنها به این طریق مهربانی کنی، صبح دوست تو بار می‌آیند، به نحوی که تعجب می‌کنی که اینها چطور اینطوری شدند؟ حالا این نصیحتی است که من اگر نتوانستم با زبانم خیلی هم سعی می‌کنم مؤدبانه باشد به قولی، بگویم ولی اگر نتوانستم من را ببخشید ولی رعایت کنید.

خانواده را به هیچ قیمتی به هم نزنید، برای اینکه خانواده یک واحدی است که این واحد مورد نظر خداست به این معنی که خداوند نظر دارد که بشر به صورت اجتماعی زندگی کند و اولین اجتماع، کوچکترین اجتماعی که خود این بشر تشکیل می‌دهد خانواده است. بنابراین می‌شود گفت که به هم زدن خانواده دشمنی با خداست یعنی دشمنی‌ای که بی‌اثر است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

در ذکر و فکر، البته برای آنهایی که یاد خدا هستند، یعنی ربطی به خداوند دارند، این ذکر به منزله‌ی یک سر نخ است که یک سر آن اینجاست، یک سر آن به دست خداوند است، تا ما ذکر می‌کنیم مثل اینکه آن نخ را تکان می‌دهیم. حالا برای آنهایی که علاقه مند هستند، این نخ یعنی نخ که ذکر به آن بسته شده که تا ذکر می‌گوید آن نخ تکان می‌خورد، آن نخ به خداوند وصل است. خدا که چیزی ندارد ولی به هر گوشه از رحمت خدا چنگ بزند، همانجا کارش درست شده است. بنابراین اینکه کسی متوجه ذکر بشود، ذکر یعنی آن حلقه تکان می‌خورد، برای درویش‌ها، فقرا این ذکر مظهر آن است یعنی ذکر برای این است که یادش بیاید از خداوند، حالا خداوندی را که دیدنی نیست و ندیده و این یادش می‌آید، همان یک لحظه یادش بیاید، کافی است. یعنی اصلاً زمان در یاد خداوند معنی ندارد. منتها آن دفعات بعدی که ذکر را می‌گوید برای انتقال این است، برای یادآوری از تکرار دعا و خواسته است که خدایا! من چنین چیزی از تو خواستم، یادت نرود! البته این عبارت ماست و الا خداوند که چیزی را فراموش نمی‌کند. به این جهت در هر صورتی، در هر وضعیتی، یادآوری آن

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح یک‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱۱ ه. ش.

ذکر مفید است.

جریانات کربلا را که همه شنیدید و فقط همه شنیدیم ولی هیچکدام عبرت نگرفتیم. یکی از سیّاحان یا دانشمندان گفت: در مسجد نشسته بودم، کنار من هم یک شخصی بود که بعد گفتند شماست، از او پرسیدم: تو همانی نیستی که پارسال آنجا بودی؟ گفت: چرا. گفتم: این کارها را تو کردی؟ گفت: بله. گفتم: چرا؟ گفت: مأمور بودم. یک بهانه‌ای درست کردند: المأمور معذور. نه، هیچ مأموری معذور نیست. یا جمعی که در آن روز بودند و بعداً هر کدام افتخار می‌کردند که مثلاً خود فرمانده‌شان برای اعلان جنگ که یعنی دیگر جنگ شروع بشود، تیر اول را خودش رها کرد، بعد صدا زد، آنوقت‌ها، هم صداها رساتر بود و هم هواها سالم بود، صدا خوب می‌رسید ولی از این بلندگوها نبود که صدا برسد. صدا زد گفت: ای لشکریان یادتان باشد پیش امیر، خلیفه بگویند که اول تیر را من زدم، به چه کسی تیر زده؟

خداوند نشان می‌دهد از این صحنه‌های تک‌تک، خیلی هست، در همه جای دنیا هست. در خود دوران فعلی هم همینطور است. حالا خیلی به این وارد نمی‌شویم برای اینکه گردابی است، تالابی است از کارهایی که خلاف

می‌شود که ما متأثر می‌شویم همه‌اش، نه ولی بزرگانی هم در همین میان هستند. ان شاء الله همه‌ی ما از اینها عبرت بگیریم، نه از آنهایی که المأمور معذور می‌گویند، در همه کاری عبرت بگیریم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

اسلام با جنگ موافق نیست با صلح موافق است، همه جا هم در آیات قرآن صلح را توصیه کرده: وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا^۲، اگر در جنگ فقط گفتند تسلیم می شویم، کوچکی کردند، قبول کن و جنگ را رها کن. البته این «الصُّلْحُ خَيْرٌ»^۳ در موردی است که جنگی تبدیل به صلح بشود ولی لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ^۴، در دین اکراهی نیست برای اینکه دین مربوط به قلب است، مربوط به دل است، دل هیچکس هم در اختیار دیگری نیست. این منشور کوروش که درست کردند، می گوید خدا ما را از جنگ و از حسادت و قحطی حفظ کند. آنوقت مرام شان هم همین است. می گوید: پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک یعنی هرگز به جنگ بیخود رو نکنید. ما از خدا می خواهیم ان شاء الله برای ما همینطور بشود برای اینکه حالا هر چه که گوش می دهیم، هر چه نگاه می کنیم، هر چه می خوانیم در مجله، روزنامه، همه جنگ است، قهرمان پروری! قهرمان چه؟! قهرمان آدمکش!!

آیا کسی که جنگی به راه می اندازد و میلیون ها نفر را بدون امر خدا می کشد و حتی با پیروان خدا هم بدی می کند، آنها را

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱۴ ه. ش.

۲. سوره انفال، آیه ۶۱.

۳. سوره نساء، آیه ۱۲۸.

۴. سوره توبه، آیه ۲۵۶.

می‌گُشد خیالش راحت باشد؟ نه! خدا بر موسی (که به امر الهی
بنی اسرائیل را کشت) می‌گیرد، دیگر چه برسد به ...

جایی که عقاب پر بریزد

از پشه‌ی لاغری چه خیزد؟

حالا ان شاءالله خدا به این پشه‌های لاغر عقل

بیشتری بدهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

از حضرت صادق پرسیدند که آیا مؤمن ممکن است دزدی کند؟ حضرت فرمودند: ممکن است، خطایی می‌کند و البته بعد مؤمن توفیق توبه پیدا می‌کند، توبه کند خدا هم او را می‌بخشد. بعد گفته: آیا مؤمن می‌تواند به یک مؤمن دیگری توهین کند، مثلاً توی گوشش بزند؟ باز حضرت فرمودند: یک وقت عصبانیت و خوی دزدگی در او غلبه می‌کند این کار را می‌کند ولی بعد توبه می‌کند خدا او را می‌بخشد. بیشتر گناهان را همین‌طور پرسیده بودند، بعد خلاصه حضرت فرمودند که ممکن است ولی مؤمن هرگز دروغ نمی‌گوید. البته شاید حالا «هرگز نمی‌گوید» آخر ما که پیرو امام جعفر صادق هستیم اگر بپرسند مذهبتان چیست؟ نه تنها از من، از شما، از هر که، از وزیر و وکیل و نماینده تا بالا، بپرسند مذهبتان چیست؟ می‌نویسند جعفری.

اصل اینکه سیزده را نحس گرفتند، از زمان حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام است. در آن شام آخر، عیسی عَلَيْهِ السَّلَام بود و یازده نفر از حواریون که می‌شدند دوازده نفر. یکی از حواریون یعنی سیزدهمی دیرآمده بود به نام یهودا، این را گفتند سیزده نحس است، برای اینکه همان، حضرت رالو داد. به هر جهت حالا خیلی متداول

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح پنج‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱۵ ه. ش.

است. شاید اینکه سیزده بدر هم می‌گوییم یعنی آنچه تا حالا کرده‌ایم از اول سال تا حالا، از توجّه به مادّیات و نپرداختن به امر الهی، اینها را مجموعاً نحس حساب کردیم. گشتیم ببینیم این نحوست را کجا بیندازیم؟ دیدیم امروز سیزدهم است، حواریّ سیزدهمی هم خیانت کرد، پس این را می‌اندازیم به عدد سیزده. به این ترتیب عدد سیزده نحس شده، نحوست آن از همه چیز بیشتر شده که حتّی مثلاً در بعضی جاها پلاک‌گذاری می‌کنند، در پلاک‌های منزل، بعد از دوازده، بعضی‌ها سیزده نمی‌گذارند، می‌نویسند ۱۲+۱. چه کسی را می‌خواهید گول بزنید؟ خودتان را؟! که محتاج نیست، چون هستند الان که شما را گول بزنند. لازم نیست خودتان، خودتان را گول بزنید. دیگران را می‌خواهید گول بزنید؟ همه‌ی آنها در همین شهر هستند، همین ولایتند، می‌دانند. استغفرالله خدا را می‌خواهید گول بزنید؟! این می‌گویند سیزده.

اما سیزده بدر از این نظر رسم خوبی است که ما همه‌ی این نحوست‌ها را و این بی‌توجهی به خداوند و فقط توجّه به کار دنیا کردن را نحس می‌گیریم، امروز می‌گوییم به در شد. حالا که به در شد، باید به کجا رو بیاوریم؟ به طبیعت رو بیاوریم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

خداوند میل دارد، علاقه مند است که بندگانش همه به هم
 مهربان باشند، با هم یکی باشند و این را امر مهمی می داند،
 بطوری که در قرآن تقریباً به خودش نسبت می دهد. می فرماید که
 فَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا^۲ و منّتی هم که خداوند بر ما
 از این حیث گذاشته در آیات دیگری هست. این الفت را نعمتی
 دانسته، فرموده است شماها، (البته خطاب به جامعه‌ی آن روز
 بشری بوده) با هم دشمن بودید، خداوند بین شما الفت قرار داد و
 نعمت داد که با هم اخوان باشید، برادر باشید. وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ
 مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا^۳، خداوند دید که شما بر لبه‌ی گودال جهنّم
 هستید، شما را بیدار کرد از آنجا برد. این انس و الفت را از نعمات
 الهی می داند و بنابراین هرگونه اجتماع مؤمنین از لحاظ ایمانی و
 همچنین اجتماع مؤمنین و مسلمین را عبادت می داند، یک نحوه
 عبادتی است.

ان شاء الله من امیدوارم که تمام نزاع‌ها، کدورت‌ها اولاً از بین
 فقرا برداشته بشود و از همه هم بارها خواهش کردم و صریحاً
 دستور دادم که مهمترین کار، مهمترین عبادتی که ما می توانیم

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱۶ ه. ش. (جلسه
 برادران ایمانی)

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

بکنیم، همین است. هر خدمتی هم که در این زمینه انجام بشود، خداوند پاداشش را می‌دهد. اقل پاداشش آن چیزی است که می‌بینیم، آن مهر و محبتی است که ایجاد می‌شود.

ان شاء الله در درجه‌ی بعدی از تمام ملّت‌ها و دولت‌ها برداشته بشود. برای اینکه متأسفانه امروز مثل اینکه کره‌ی زمین برای عده‌ای تنگی می‌کند. جنگ‌ها ایجاد کردند و برای جنگ تبلیغ می‌شود و هر روز اختراعات جدیدی که بهتر و بیشتر آدم می‌کشد، ان شاء الله دنیا بر مبنای مهر و محبت بگردد. خداوند به قول حضرت عیسی فرمود که هَلْ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟ یعنی عیسی فرمود این عبارت برای حضرت جعفر صادق است. آیا دین جز مهربانی نیست؟ ان شاء الله خداوند دل‌هایمان را صاف و آماده برای اوامر الهی کند. ان شاء الله.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

خداوند فرمود: وقتی که از روح خودم در او دمیدم، براو سجده کنید. این نشان داد که نوع بشر قابلیت این را دارد که از همه بالاتر باشد ولی این قابلیت است. این قابلیت را ما نباید هدر بدهیم، از همه ی جهات. یک جهت کوچک آن این است که قرآن را با دقت بخوانیم، از قرآن همه ی علوم را استنباط کنیم، نه اینکه بگوییم که قرآن نگفته دو دو تا، چهارتاست. بله، قرآن نگفته دو دو تا، چهارتاست چون اگر بگویید دو دو تا، چهارتاست، ما می گوییم: چرا نگفته سه سه تا، نه تا می شود؟ نه! گفته: لِنَجْزِي كُلَّ نَفْسٍ^۲، هر موجودی را به آنچه عمل کرده است، پاداش می دهد و انسانها را هم همینطور. یک چیز کوچکی را هم فراموش نمی کند ولی خودش هر چه کرمش اقتضاء کند می پردازد یعنی تکامل برای همه ی جانداران فراهم کرده. همین کمال انسان است که خداوند نواقصش را رفع کند و از مرحمت خودش یک چیز جدیدی به او بدهد منتها این چیز جدید باید مرهون به زحمات خودش باشد. مثلاً روزه بگیرد تا عادت کند، خداوند یک انسانی آفریده که آن انسان در مقابل گرسنگی مقاومت می کند. ما زحمت مان را بکشیم

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱۶ ه. ش. (جلسه خواهران ایمانی)

۲. سوره طه، آیه ۱۵ / سوره جاثیه، آیه ۲۲.

بعد خداوند پاداشش را خیلی هم بیشتر می‌دهد. منتها بدون زحمت‌کشی متوقع هیچ چیزی نباشید ولی زحمت که کشیدید، متوقع نباشید ولی آرزومند ده برابر آن باشید. اگر کار کردید خداوند ده برابر می‌دهد ولی اگر کار نکردید، خدا یک پشنگی هم نمی‌دهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

ما در قرآن راجع به مشورت دستوری داریم که خداوند به پیغمبر می‌فرماید: وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ^۲، با چه کسانی مشاورت کن؟ وَشَاوِرْهُمْ، با آنها مشاورت کن. آیه را نگاه می‌کنیم یعنی با منافقین اُمّت و با دشمنان ملّت. می‌فرماید با آنها مشاورت کن. مشورت هم این نیست که هر چه مشاور گفت، شخص باور کند. دنباله‌اش هم فرموده با آنها مشاورت کن، فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ^۳، وقتی تصمیم گرفتی، دیگر خودت برو دنبالش. این دستوری است که خداوند به پیغمبرش داده، اگر این اختصاصی به پیغمبر بود و ما لازم نبود رعایت کنیم، چرا در قرآن گفتند؟ چرا خدا به پیغمبر گفت و گفتند بلند بگو؟ نه، به پیغمبر خطاب کرد که:

أَنجَاكَه عَقَابُ پَرَبْرِیَزْد

از پشه‌ی لاغری چه خیزد؟

ما موظف به این رفتار هستیم. فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. تا پیغمبر بود، این وظیفه‌ی مسلمین، مؤمنین بود ولی بعد از رحلت پیغمبر، ما شیعه، ائمه را جانشینان پیغمبر می‌دانیم، تکلیفمان همانی است که بود، تکلیف شیعیان آنوقت ولی بعد که

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱۷ ه. ش. (جلسه برادران ایمانی)

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

امام شیعیان هم غیبت فرمود، تکلیف چیست؟ تصریح نمی‌کند که چه کار کنید. جزء صفات و علائم مؤمنین، می‌فرماید: **وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ**^۱، اینهایی که کارهایشان با مشورت بین هم است. البته در شرع و در طریقت همینطور است. وقتی تقابل دو تا مسئولیت بود، اینها را باید تلفیق کرد و اگر تلفیق نمی‌شد آنوقت آنی را که مهمتر بود عمل کرد. مثلاً با همین دستور مشورت، وقتی که در یک مواردی، فی‌المثل انسان، نمی‌تواند مشورت کند، نمی‌تواند حرف بزند، در اینجا تشخیصش به عهده‌ی خود شخص است که کدامش را انجام بدهد. مشورت کردن، یا اینکه حفظ ضمیرش یعنی آشکار نکردن، این تشخیصش با خود مسلمین است.

بعضی‌ها ممکن است بپرسند که خداوند ما را عادت داد به اینکه خودش در قرآن دستورات را بدهد، پس چرا در اینجا دستور خاصی نمی‌دهد؟ برای اینکه خداوند بشر را به عنوان خلیفة الله در زمین معین کرده. به تدریج باید این نوع بشر، نوع آدم تربیت شوند و آن خصوصیتی که خداوند مدّ نظر دارد، توجه کنند. یکی از این موارد، تعقل و تشخیص است، خودش فرمود: **خجالت نکشید**. در زندگی عادی ما، اگر آدم در یک کاری اشتباه بکند، از صاحب کار خجالت می‌کشد. فرمود نه، انسان جایز الخطاست یعنی من طوری

شما را آفریدم که امکان خطا کردن در شما هست. این است که با توجه به آن عقلی که خداوند داده، باید تصمیمی بگیرید، بر فرض این تصمیم اشتباه باشد، یا بعد نتیجه بد باشد، به خدا استغفار می‌کنیم و می‌گوییم: خدایا! ما کارمان را کردیم، بلد نبودیم. برای خداوند هم فرد فرد ما مورد علاقه است و هر کدام از فرد فرد ما را جزء این مجموعه‌ای می‌گیرد که وقتی بخواهد به مجموع بشر درسی بدهد، یک نفر را نظر می‌کند و به او درس می‌دهد. می‌گوید در این صورت کار خطایی که شما کردید، برای همه‌ی دیگران تجربه می‌شود. این است که همه‌ی چیزها به هم وصل است و این هم فایده‌ی آن مشورت است که اگر با هم مشورت کنیم اگر کسی خواست خطا کند، می‌گوید نه آقا، اینجا خطا نکن، من این کار را کردم و غلط درآمد. تجربه‌ها زیاد می‌شود. بنابراین مشورت بکنید اما مشورت با چه کسی؟ مشورت با کسی که در آن رشته‌ی مورد مشورت، پیش‌کسوت باشد.

ولو این داستان در مورد مشورت نیست، سعدی مثل اینکه در گلستان است می‌گوید کسی چشمش درد می‌کرد، رفت پیش بیطار. بیطار یعنی طبیب حیوانات. او دوایی داد، ریخت در چشمش کور شد. بعد یکی گفت: این از اوّل کور بوده، اگر کور نبود که پیش بیطار نمی‌رفت، باید پیش طبیب می‌رفت یعنی با کسی

مشورت کنید که در همان مسأله‌ی مورد نظر، از خود آدم بیشتر تجربه دارد. ان شاء الله خداوند در همه‌ی کارها مشاور ما باشد. چطوری مشاور باشد؟ قرآنی آفریده است یا هر وقت دلمان فشرده می‌شود، نمی‌دانیم چه کار کنیم، به قرآن باید متوسل بشویم اگر کمی بخوانیم می‌بینیم که جواب ما آنجاست، ان شاء الله.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

بزرگانی که مشهور شده‌اند، عده‌ای از قبیل سقراط هستند که اینها در واقع بدون اینکه بخواهند پندی بدهند یا بخواهند برتری خودشان را نشان بدهند، از حرف‌هایشان، از گفتار و کردارشان، همه باید پند بگیریم. ما هم باید یک مدّتی فلسفه را، آن فلسفه‌ای را که او گفت، یعنی «حکمتِ زندگی را در زندگی نگه داریم» یعنی زندگی دنیای مان را تباه نکنیم به امید اینکه زندگی آخرتمان را آباد بکنیم، نه! اگر ما زندگی دنیای مان را خراب کنیم، زندگی آخرتمان هم خراب است. مثلی است که می‌گویند: «دنیا مزرعه‌ی آخرت است» یعنی هر چه در این دنیا کاشته بشود همان را در آن دنیا می‌گیریم یعنی مثل هم است. اگر در اینجا بزرگواری، مهربانی، رحم و شفقت داشته باشیم، در آن دنیا هم همین صفات هست، هم برای ما و هم برای کسانی که با ما در تماس باشند. به این جهت به زندگی دنیا توجه کنید. به قول خیّام که در این شعرش می‌گوید:

گویند هر آن کسان که با پرهیزند

زان سان که بمیرند همان برخیزند

بنابراین نباید به امید اینکه داریم آن دنیای مان را خوب

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱۷ ه. ش. (جلسه خواهران ایمانی)

می‌کنیم، اینجا کارهای غلط بکنیم. غلط هم نه اینکه مثل دیکته که غلط می‌گیرند، غلط بگیرند نه! غلط یک چیزهایی است که خودمان می‌فهمیم. بیشتر این کارهایی که الان می‌بینیم، غلط است. این است که باید ما آنچه را که می‌توانیم، خودمان اصلاح کنیم برای اینکه نتیجه‌ی اصلاح هم به خودمان می‌رسد.

اگر فرزندی دارید می‌خواهد ازدواج کند، اصلش باید دقت کنید که آن طرفی که این را می‌خواهد کیست؟ چطوری است؟ هم‌شان این است یا نه؟ بعد ازدواج کند. مهمترین مسأله‌ای که غالباً یعنی در دنیای امروز که وضع اقتصادی اینطوری شده، وجود دارد، مسائل اقتصادی است. من در این جزوه‌ی «خانواده» که از تشکیل خانواده، از خواستگاری از اوّل تا... چاپ شده گفته‌ام که باید از اوّل زوجین با هم روراست باشند، به اصطلاح وضعیتشان نسبت به طرف روراست باشد نه اینکه چون مثلاً می‌خواهد برود خواستگاری، خیلی خودش را شیک و پیک کند آن طرف هم یک منزل عالی اجاره می‌کند می‌نشیند. بعد که ازدواج کردند می‌بینند که آنها همه‌های وهوی و سرو صدا بوده. از همان اوّل برای طرف روشن کنند بگویند آقا وضعیت مالی ما این است، بگوید مثلاً من الان محصل هستم، اینقدر در ماه به من کمک می‌کند، بیشتر نمی‌توانم. با این هم من الان هر روز یک نان سنگک می‌گیرم با

یک کاسه ماست، شب می خورم صبح هم مابقی آن را با پنیر می خورم، می روم درس می خوانم. یک اتاقی هم که اتاقی دانشجویی است، اجاره کردم. اگر اینطور ازدواج می کنی قبول است. اگر طرف قبول کرد که ازدواج می شود که به همین طریق باشد. هیچکدام از هم توقع زیادتر و بیجایی نداشته باشند. البته در مورد رو راست بودن هم لازم نیست که هر چه در زندگیش گذشته، به طرف بگوید نه، لزومی ندارد. وضعیت الانش را هر کسی باید بگوید که من این هستم. اگر اینطوری باشد اصلاً دیگر هیچ گرفتاری و هیچ ناراحتی ندارد که کسی ناراحت بشود که من برای ازدواج چه کار کنم؟ نه! می گوید: الْمَلِكُ لِلَّهِ، ملک برای خداست، هیچ مالکی جز خدا نیست اگر هم می گویند فلان کس مالک است، خدا آن مالکیت را در آن قسمت ممکن است به او داده باشد، همه چیز متعلق به خداست.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ^۱

داستانی در مثنوی هست که یک عاشقی به معشوقه رسید، امتحانش کرد گفت که تو بیخود پشت سر من می آیی. خواهرم جوانتر و زیباتر از من است، الان پشت سر من است، این سرش را برگرداند که آن را ببیند، گفت برو پی کارت، تو عاشق نیستی، عاشق آن است که در معشوقش جز حُسنی نبیند. حالا اینجا به قول حکما و فلاسفه حُسن و عشق است یعنی می گویند ممکن است که آن از معشوقش هم به قولی زیباتر باشد ولی این نگاه نمی کند. آیا این حُسن است که عشق را ایجاد می کند یا عشق است که همه چیز را خوب می بیند؟ این حالا خیلی بحث مفصلی است خود شماها می توانید مطالعه کنید. عشق مثل یک حالتی، یک حالی است از مراحل سلوک. همانطوری که همه ی حالات تکامل پیدا می کنند، زیادتر می شوند یا کمتر می شوند، این هم همینطور است ولی آن دلبستگی اساسی در آن هست، این است که هم می شود گفت تکامل پیدا می کند هم می شود گفت نه ولی شعری می گوید:

در ازل پرتوی حُسن ز تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح یکشنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱۸ ه. ش.

خطاب به خداوند است می گوید روز ازل پرتویی از حُسن تو متجلی شد، در اثر این، عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد. یعنی همه را در حال هیجان نگه داشت، اینجا هم می گوید حُسن موجب عشق شده ولی یک چیزهایی است که ما با زمان می‌سنجیم، می‌گوییم اوّل این، دوّم آن. این چیزها را می‌دانیم ولی در عالمِ خلقتِ خداوند، زمان معنی ندارد یعنی همه‌ی این چیزها با هم است، مثل ما در دیدن با چشم، الان اینجا یا همه جاهای دیگر مجسّم می‌بینیم، می‌دانیم این خانم اینجا نشسته، آن یکی دورتر است، آن یکی دورتر است ولی از لحاظ خداوند مثل یک عکس است، عکس که بردارند همه‌ی اینها روی عکس کنار هم است. حالا این عکس که ما می‌گوییم نزد خداوند است، مثلاً یک حدیثی هست: *الْأَرْوَاحُ جُنُودٌ مُجَنَّدَةٌ*، ارواح ما وقتی که در این بدن نبوده یعنی قبلاً، یک لشکر منظمی است، هر جا که هم جنس باشد با هم ائتلاف می‌کنند. وقتی از اوّل اختلاف باشد، مثلاً دشمنی می‌کنند. این یک قدری روشن می‌کند اینکه مثلاً یکی را می‌بینیم، همان جلسه‌ی اوّل می‌گویید به نظر آدم بدی می‌رسد یا به نظر آدم خوبی می‌رسد. این در عالم دیگری در روح شما... البته حالا علمای امروز، علمایی که به آنها می‌گویند عالم و علوم طبیعی، می‌گویند از روی قراین و قیافه اینطور می‌شود ولی مهمتر از

آن همینی است که اینها، مثل اینکه قبلاً منظم شده. نه اینکه منظم شده به جبر و اینها یعنی با هم تناسب دارند. البته این هم که با هم تناسب داشتند، علامت این نیست که بگوییم شما با یک هندی (با هندی قدیم می‌گوییم که می‌گفتند بت می‌پرستد) می‌بینید خیلی قیافه‌ی جذاب و جالبی دارد، با هم رفیق می‌شوید ولی با هم ائتلاف ندارید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

ما می‌گوییم این عباراتی که در قرآن آمده، عین حرفی است که خدا گفته، معنای تنها نیست خود این حرف را هم خدا گفته، مسلمین اینطور معتقد هستند. حالا یک دلیلی که اینها می‌آورند می‌گویند که بعضی عبارات قرآن، بعضی روحیاتی که قرآن گفته، متغیّر است و تغییراتی در آن شده. مثلاً بگوییم جنگ با کفار، بعضی‌ها می‌گویند که تا وقتی قدرت دارید و می‌توانید اینها را هر جا گیرتان آمد جان‌شان را بگیرید ولی یک جا خود قرآن می‌گوید که لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ^۲، در دین اکراهی نیست اینها ظاهراً متناقض است ولی متناقض نیست به این معنی که اگر ما قرآن را با تاریخچه‌ی نزول آن و معنای آن دقّت کنیم، می‌بینیم درست است. اسلام و همچنین وحی قرآن، اوّل در مکه ظاهر شد تا بعد از مدّتی خداوند به پیغمبر هم اجازه داد و هم دستور داد که حالا به قوم و خویشان بگو؛ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ^۳، قوم و خویشان نزدیکت را تبلیغ کن که بیایند. بعد که این آیه آمد پیغمبر دیگر دعوت کرد و عده‌ای را دعوت کرد که داستان‌ش را می‌دانید.

یک اشتباهی ما، در درک معنای بسیاری از آیات می‌کنیم

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۱ ه. ش.

۲. سوره بقره، آیه ۲۵۶.

۳. سوره شعرا، آیه ۲۱۴.

که گاهی این اشتباهات خیلی نتایج عجیبی دارد، مثلاً یک چیزهایی را ممکن است تحریم کند، یک چیزهایی را ممکن است واجب کند. آن اولی که پیغمبر هنوز حکومت تشکیل نداده بود، اوایلی هم که همه با پیغمبر بد بودند، فرمود که به این دشمنان رحم نکنید، هر جا که آنها را دیدید، بگیرید بکشید ولی وقتی حکومت داشتند دیگر دشمنان اثر نداشت، آنوقت فرمود: لاِکْرَاهَ فِي الدِّينِ چه کار دارید که او دینش چیست؟ اکراه در دین نیست. این ظاهراً خیلی متناقض است ولی دو مورد مختلف است. مثل اینکه فرض کنید آب خوردن که ما همه در موقع تشنگی به خصوص مشتاقش هستیم، بعضی وقتها منع می شود، برای بعضی کسالتها گاهی اوقات توصیه می شود که آب بیشتر بخورید، این است که هیچگونه تضادی بین دستورات اسلام نیست. منتها ما باید توجه کنیم، در هر موقع آن دستوری که مربوط به آن موقعیت است، تشخیص بدهیم و رعایت کنیم.

یک دعایی ختم قرآن دارد می گوید: الهی به حرمت این قرآن به رؤسای ما عقل بده، این را بخوانید خیلی جالب است به هر کدام از آن صنوف یک چیزی که لازم دارد، دعا می کند که به او بدهد. بنابراین از یک طرف خود قرآن می گوید: ما قرآن را با یک عبارت سهل و خیلی آسان فرستاده ایم که همه بفهمند. اگر

اینطوری است پس همه‌ی ما یعنی هرکسی هم که زبان عربی می‌داند، باید بخواند، بفهمد. یک عده‌ای می‌گویند نخیر حق ندارید بدون هیچگونه تحصیلاتی که داشته باشید، قرآن را تفسیر کنید، نه! آدم برای خودش تفسیر می‌کند ولی تفسیرش برای دیگران ممکن است معتبر نباشد برای اینکه اگر این دو تا آیه را جلوی او گذاشتند، بگویند: اینها یعنی چه؟ لَأِكْرَاهِ فِي الدِّينِ، آن طرف هم می‌گوید: فَحُدُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ^۱، اگر به این طریق این را جدا کنند، بسیاری از مشکلاتی که ما در تفسیر قرآن داریم، حل می‌شود. بدانند این «آمنوا» که خدا خطاب به مؤمنین می‌گوید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، این نه کسانی است که واقعاً ایمان دارند، کسانی است که به حکومت اسلام تسلیم شدند.

کما اینکه در سوره‌ی حجرات است، در آن سوره می‌گوید که بعضی اعراب آمدند پیش تو و از اینکه ایمان آوردند، سر تو منت می‌گذارند، بگو که نه تنها این منتی نیست بلکه منتی است که خداوند بر شما می‌گذارد که شما را به سمت ایمان راهنمایی می‌کند، نگویید ما ایمان آوردیم، بگویید اسلام آوردیم. اگر بتوانیم این دو قسمت را از هم جدا کنیم، فهم تمام قرآن برای ما آسان می‌شود. بعد این را در هر آیه‌ای، سوره‌ای دقت کنید که يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا که می گوید یا به مؤمنین خطاب می کند، منظورش چه کسانی است؟ آیا واقعاً مؤمنین هستند یا منظورش آنهایی است که تسلیم حکومت هستند؟ البته این برای آدم غیر محقق، غیر متخصص مشکل است ولی برای متخصصین، آنهایی که تاریخ نویس هم هستند، در تمام کتابهایی که شرح حال های پیغمبر را نوشته، این مطلب را گفته است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

در اخبار که شب جمعه را توصیه کردند که خداوند ارج داده، شب دوشنبه را هم گفته‌اند و به مجلس می‌آییم. خیلی اوقات ما کاری را که انجام می‌دهیم، فکر می‌کنیم فایده‌اش چیست؟ یک رسمی که هست، بوده، کم و بیش، حالا بیشتر شده، این است که ما حتی برای عبادات می‌گردیم فوایدش را پیدا کنیم. مثلاً روزه چه فایده دارد؟ آنوقت دیگر سخنوران سخن می‌گویند، نویسندگان ... یا نماز چه فایده دارد؟ همه‌ی اینها به جای خود. روزه این فایده را دارد، نماز هم آن فواید را دارد ولی ما برای فایده آن کار را نمی‌کنیم. برای اینکه ما مردم، نوع بشر که خدا آفریده، که می‌فرماید: وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ^۲، ما خلقش کردیم و می‌دانیم که وسوسه‌ی نفس چقدر برایش هست. خداوند خواسته یک خرده به ما تسلّی بدهد که خیلی مایوس نشویم. اما فایده‌ی حضور در مجلس یکی دیدار رفقا، دوستان است، حتی خیلی‌ها که با فقرا، محبّتی دارند، فقیر نیستند ولی می‌آیند مجالس، از انس و الفتی که در مجلس رو به تزاید می‌گذارد و اینجا ایجاد می‌شود، بهره می‌برند. این است که خداوند از صفات مؤمنین و علامات مؤمنین اسم بردند، یکی از خصوصیات مؤمن

۱. برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح پنج‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۲ ه. ش.

۲. سوره ق، آیه ۱۶.

این است که خود دیدن مؤمن فایده دارد، کلامش یک فایده دارد. رفتارش یک فایده دارد. خود دیدنش، فایده دارد. از لحاظ ظاهری هم بگوییم، روانشناس ها می گویند مسلم است وقتی که ما به صورت یک مؤمن نگاه می کنیم، می بینیم، به قول مشهور، از قیافه اش نور ایمان می بارد و بالعکس ولی ما چرا مجلس می آییم؟ فایده هم که گفته اند، آنهایی که بررسی می کنند و کنجکاوی می کنند، یک چیزهایی درمی آورند ولی ما برای امر خداست که این کار را می کنیم، نه برای اینکه فایده ببینیم یعنی امر خدا اینقدر باید با خلوص باشد که چیزی دور و برش نباشد ولو چیز خوب.

آن داستان که حضرت صالح علیشاه تعریف می کردند و از پدر مرحوم راشد می فرمودند که اهل زراعت هم بود ولی از روحانیون بود، لباس روحانی هم نمی پوشید، لباس کشاورزی داشت ولی مسجد می رفت پیش نماز بود، منبر می رفت. می فرمودند: آنقدر وسواس در خلوص نیت داشت که وقتی از تربت حیدریه می خواسته برود زیارت مشهد، وسایلش را فراهم کرده، تا مرکوبش را الاغی، اسبی بیاورد، همسرش گفته وقتی رفتی مشهد، از آن چادرهای مشهدی و از آن کفش ها برای من یک جفت بگیر بیاور. این قبول کرد، خداحافظی کرد و بعد از سه، چهار روز، کمتری یا بیشتر به هر جهت، رسیده، در می زنند در را باز کردند دیده این برگشته،

گفته چه زود برگشتی! زیارت قبول. او آن کفش و آن خرید را درآورده به زنش داده و گفته اینها خواسته‌ی توست، حالا به زیارت می‌روم. ما هم در همه‌ی کارهایمان سعی می‌کنیم و می‌گوییم، اینقدر هم می‌گوییم تا خواسته‌ی خودمان بشود، نیتمان همیشه در اطاعت امر خدا خالص باشد. این است که شب جمعه که فرمایش صریح خداوند است، خیلی دقت می‌کنیم و همه‌ی جامعه‌ی مسلمین رعایت می‌کنند و روز جمعه را هم تعطیل می‌کنند. البته شب دوشنبه هم مهم است ولی بعضی‌ها این مسأله را هیچ اهمیّت نمی‌دهند، مثل یک دوره‌ی دوستانه می‌دانند. می‌گویند اگر رسیدیم می‌رویم، اگر نه که نه. این بالاتر از دوره‌ی دوستانه است. این دعوت به اتّاق انتظار خداوند است. دعوت کرده که به آن اتّاق برویم. اقلّش یک چای و شیرینی هم می‌دهند. آن چای و شیرینی، همین منافی است که آن آمدنمان دارد که می‌فرماید:

ای بی‌خبران غافل از آن شاه نباشید

شاید که نگاهی کند آگاه نباشید

یک لحظه اگر نگاه کند، به همه‌ی آن زحمات می‌ارزد. ما این کار را می‌کنیم. اما بعد خداوند همینطور نمی‌گوید چطوری، نمی‌گوید مجلس داشته باشید، نمی‌گوید مثلاً روضه بخوانید و نام

من باشد، یادآوری کنید، نه! هرطور خودتان می دانید. یاد خدا، یعنی یاد وجود خودتان. برای اینکه آن خالق است که صفت خلق از وجودش جدا نیست، جداگانه. همیشه خالق هست اما بعد دیگر به عهده‌ی خود ماست. بنابه مقتضیاتی، به جماعت نماز بخوانیم. بعد بنشینیم، اینها دیگر به عهده‌ی آن خلافت الهی که خودش گفته، خلافت داده به بشر، نمایندگی داده، به آن اعتبار مجلس بگیریم بنشینیم. البته یک دستورات کلی هم برای همه‌ی مجالس داریم. وقتی به مجالس مؤمنین، پیش مؤمنین می آید، دستتان، بدنتان، پایتان بوی عرق ندهد که مزاحم پهلویی شما بشود. با غسل یا وضو باشید، نشد با تیمم وارد بشوید. شستشویی کن و آنگه به خرابات حرام

اینها دستورات است، تنظیمش با خود ماست. بیشتر با آن کسی است که وظیفه‌ی ارشاد و راهنمایی و کمک به دیگران را دارد. در این صورت مثلاً ما مجالس را چون باید همه، به آن بهره و فیضشان برسند، سعی می کنیم مثلاً در اینجا کتاب فارسی خوانده شود. به فارسی مطلب گفته شود. در عربستان مجلس داشته باشند، در هر یک از این شهرها، به عربی حرف می زنند، البته آنچه که دعاست، فرمایش الهی است، عین آن باید گفته شود. کسی اهل ریزه کاری عبارات است، این است که ما گفتیم کتابی خوانده

شود یعنی همان افکار و حالاتی که احياناً بعضی‌ها این مسیر را طی کردند ولی آن را به صورت کلمه درآوردند که همه متوجه بشوند. بعضی‌ها از این حال گذشتند، به قولی حال می‌خواهد نه قال. این است که مصافحه‌ای هم می‌کنند. بنابراین اگر در مجالس کسی که اهل حال است، نمی‌تواند ایراد بگیرد که اصلاً کتاب خواندن یعنی چه؟ نه، آن هم باید باشد. یا آن نمی‌تواند ایراد بگیرد که بنشینید حرف می‌زنید. چه فایده؟ نه، فایده‌اش همین است که با هم دل‌ها ارتباط دارد.

بنابراین در مجلس هم معمولاً همه‌ی مراحل و انواع درجات و حالاتی که فقرا دارند، باید رعایت بشود و رعایت می‌شود. این است که در این مجالس وارد بشوید اما نه از آن طرف که یکی گفت اگر وقت کردیم می‌رویم، نه بالعکس، بعضی‌ها این را واجب، العیاذ بالله هم ردیف نماز فکر کنند. نماز هم واجب است، این یک پله پایین‌تر، واجب است یعنی هرگز نماز را قربانی این نکنید و هرگز مجلس را قربانی نماز طولانی نکنید. در مجالس هم باید فکر کنیم این یک آزمایشگاهی است، جدیداً چیزهایی را یاد بگیریم و چیزهایی را رعایت کنیم از آنچه یاد گرفتیم. مهمترین آن رعایت آرامش فکری و شادی نزدیکان و سایر مؤمنین است. اینکه گفته‌اند شستشویی کن و حتی برای اینکه ما متوجه بشویم،

خداوند بدون شستشو همه را قبول دارد و همه را می‌شناسد ولی گفته است که اگر می‌خواهید بیاید اینجا، می‌خواهید بیاید یعنی در حال ارادی بودید، باید غسل بگیرید، وضو بگیرید یا تیمم کنید. برای اینکه ما یاد بگیریم وقتی به حضور بزرگی می‌رسیم، از خدا بزرگتر که چیزی نیست: الله اکبر، تمیز باشیم و امثال اینها. منطقاً نباید به ما حکمت دستوراتی که می‌گوید را بدهد.

ما اگر به خدایی معتقدیم، می‌گوییم ما را آفریده، پس ما مخلوق خودش هستیم، هر طور بخواهد می‌کند. اگر به ما گفت با کله سرازیر باشید و نماز بخوانید، همان است. یکی هم همین خلوص نیت و اینکه خداوند برای یاد خودش که شرایطی گذاشته، این یاد را خالص می‌خواهد. ان شاء الله خداوند همه‌ی اینهایی را که گفته، خودش جلویمان بگذارد. و الا اگر فکر کنیم همان داستان آنکه وقتی کسی شنید علی ع در روز قیامت کنار حوض کوثر است و لیوان پر می‌کند و می‌دهد. آن شرایط را دید، فریاد زد گفت: ما که نمی‌توانیم. یا علی! خودت لیوانت را پر کن، خودت بخور. ماها اهلش نیستیم، لایق نیستیم. حالا ان شاء الله آن لیاقت را هم خود خدا بدهد.

فهرست جزوات قبل

شماره	عنوان	تیمیت
۱	گفتارهای عرفانی ^۱ (قسمت اول - دی و بهمن ۱۳۸۶)	
۲	گفتارهای عرفانی (قسمت دوم - بهمن ۱۳۸۶ تا فروردین ۱۳۸۷)	
۳	گفتارهای عرفانی (قسمت سوم - اسفند ۱۳۸۶ تا خرداد ۱۳۸۷)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت اول)	
۴	گفت وگوهای عرفانی ^۲ (قسمت اول - متن ۶ مصاحبه - تابستان و آذر ۸۶ اردیبهشت، مرداد و آذر ۸۷)	مجموعه شماره یک: شامل ۱۳ جزوه) ۸۰۰۰ تومان
۵	مکاتیب عرفانی ^۳ (قسمت اول ۷۶-۱۳۷۵)	
۶	استخاره (همراه با سی دی صوتی)	
۷	مقدمه ی روز جهانی درویش	
۸	مکاتیب عرفانی (قسمت دوم ۷۹-۱۳۷۷)	
۹	گفتارهای عرفانی (قسمت چهارم - اردیبهشت، خرداد و تیر ۱۳۸۷)	
۱۰	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجم - تیر ۱۳۸۷)	
۱۱	گفتارهای عرفانی (قسمت ششم - مرداد و شهریور ۱۳۸۷)	
۱۲	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتم - شهریور ۱۳۸۷)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دوم)	
۱۳	خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده (قسمت اول)	مجموعه دو: شامل ۵ جزوه) ۱۰۰۰ تومان
۱۴	حقوق مالی و عشریه (قسمت اول)	
۱۵	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتم - مهر ۱۳۸۷)	
۱۶	مکاتیب عرفانی (قسمت سوم ۱۳۸۰)	

۱. گفتارهای عرفانی: بیانات صبح‌های شنبه، یک‌شنبه، چهارشنبه، پنج‌شنبه، جمعه و مناسبت‌ها.

۲. گفت وگوهای عرفانی: مجموعه ی مصاحبه‌ها.

۳. مکاتیب عرفانی: مجموعه ی پاسخ به نامه‌ها.

مجموعه سه: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت نهم - مهر ۱۳۸۷)	۱۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت دهم - مهر و آبان ۱۳۸۷)	۱۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت یازدهم - آبان ۱۳۸۷)	۱۹
	گفتارهای عرفانی (قسمت دوازدهم - آبان و آذر ۱۳۸۷)	۲۰
	گفتارهای عرفانی (قسمت سیزدهم - آذر ۱۳۸۷)	۲۱
مجموعه چهار: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (قسمت اول)	۲۲
	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (قسمت اول)	۲۳
	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت اول)	۲۴
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت سوم)	-
	مکاتیب عرفانی (قسمت چهارم ۸۱-۱۳۸۰)	۲۵
مجموعه پنج: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت چهاردهم - مردادالی آذر ۱۳۸۷)	۲۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت پانزدهم - آذر ۱۳۸۷)	۲۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت شانزدهم - آذر و دی ۱۳۸۷)	۲۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفدهم - دی ۱۳۸۷)	۲۹
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت چهارم)	-
مجموعه شش: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت هجدهم - دی و بهمن ۱۳۸۷)	۳۰
	گفتارهای عرفانی (قسمت نوزدهم - بهمن ۱۳۸۷)	۳۱
	گفتارهای عرفانی (قسمت بیستم - اسفند ۱۳۸۷)	۳۲
	گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و یکم - اسفند ۱۳۸۷)	۳۳
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت پنجم)	-
۲۰۰ تومان	نقشه راهنمای موقعیت مزار سلطانی بیدخت در کشور ایران	-
مجموعه هفت: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	مکاتیب عرفانی (قسمت پنجم ۸۳-۱۳۸۲)	۳۴
	مکاتیب عرفانی (قسمت ششم ۱۳۸۴)	۳۵
	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (قسمت دوم)	۳۶
	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت دوم)	۳۷
	مجموعه دستورالعمل ها و بیانیه ها (قسمت اول)	۳۸

		مکاتیب عرفانی (قسمت هفتم ۸۷-۱۳۸۴)	۳۹
مجموعه هشتم: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۴۰	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت سوم)	
	۴۱	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق) (قسمت چهارم)	
	۴۲	شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (قسمت دوم)	
	۴۳	مجموعه دستورالعمل ها و بیانیه ها (قسمت دوم)	
<hr/>			
مجموعه نهم: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۴۴	گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و دوم - فروردین ۱۳۸۸)	
	۴۵	گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و سوم - فروردین ۱۳۸۸)	
	۴۶	گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و چهارم - فروردین ۱۳۸۸)	
	۴۷	گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و پنجم - اردیبهشت ۱۳۸۸)	
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت ششم)	
<hr/>			
مجموعه ده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۴۸	گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و ششم - مرداد ۱۳۸۹)	
	۴۹	گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و هفتم - مرداد و شهریور ۱۳۸۹)	
	۵۰	گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و هشتم - شهریور ۱۳۸۹)	
	۵۱	گفتارهای عرفانی (قسمت بیست و نهم - شهریور و مهر ۱۳۸۹)	
	۵۲	گفتارهای عرفانی (قسمت سی ام - مهر ۱۳۸۹)	
<hr/>			
مجموعه یازده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۵۳	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و یکم - اردیبهشت ۱۳۸۸)	
	۵۴	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و دوم - اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۸)	
	۵۵	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و سوم - خرداد ۱۳۸۸)	
	۵۶	گفت و گوهای عرفانی (قسمت دوم - عرفان در کار اداری - بهار و تابستان ۱۳۸۹)	
	۵۷	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و چهارم - خرداد ۱۳۸۸)	

مجموعه دوازده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۵۸	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و پنجم - خرداد و تیر ۱۳۸۸)
	۵۹	درباره‌ی حقوق مالی و عشریه (قسمت دوم)
	۶۰	خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده (قسمت دوم)
مجموعه سیزده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۶۱	گفت‌وگوهای عرفانی (قسمت سوم - سال‌های ۸۹ - ۱۳۸۸)
	۶۲	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت اول)
	۶۳	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت دوم)
	۶۴	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت سوم)
مجموعه چهارده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۵ جزوه)	۶۵	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات (قسمت چهارم)
	۶۶	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و ششم - تیر ۱۳۸۸)
	۶۷	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و هفتم - تیر ۱۳۸۸)
	۶۸	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و هشتم - تیر و مرداد ۱۳۸۸)
مجموعه پانزده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	۶۹	گفتارهای عرفانی (قسمت سی و نهم - مرداد و شهریور ۱۳۸۸)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت هفتم)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت هشتم)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت نهم)
-	۷۰	مُلَخَّص گزارشات در مورد عرفان (هدیه نوروزی ۱۳۹۰)
مجموعه شانزده: ۱۰۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	۷۱	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل - شهریور ۱۳۸۸)
	۷۲	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و یکم - شهریور ۱۳۸۸)
	۷۳	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و دوم - مهر ۱۳۸۸)
	۷۴	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و سوم - مهر ۱۳۸۸)
	۷۵	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و چهارم - مهر ۱۳۸۸)
	۷۶	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و پنجم - مهر و آبان ۱۳۸۸)
	۷۷	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و ششم - آبان ۱۳۸۸)
	۷۸	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و هفتم - آبان و آذر ۱۳۸۸)
	۷۹	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و هشتم - آذر ۱۳۸۸)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دهم)
۸۰	شرح فرمایشات حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> (شرح رساله حقوق)	

۸۱	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت اول)
۸۲	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت دوم)
۸۳	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت سوم)
۸۴	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت چهارم)
۸۵	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت پنجم)
۸۶	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت ششم)
۸۷	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت هفتم)
۸۸	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت هشتم)
۸۹	گفتارهای عرفانی در سفرهای بیدخت (قسمت نهم)
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت یازدهم)

مجموعه شانزده:
۱۰۰۰ تومان
(شامل ۱۰ جزوه)

۹۰	مکاتیب عرفانی (اسفند ۱۳۷۵ الی خرداد ۱۳۸۷)	۵۰۰ تومان
۹۱	گفتارهای عرفانی (قسمت چهل و نهم)	
۹۲	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاهم)	
۹۳	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و یکم)	
۹۴	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و دوم)	
۹۵	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و سوم)	
۹۶	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و چهارم)	
۹۷	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و پنجم)	
۹۸	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و ششم)	
۹۹	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و هفتم)	
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت دوازدهم)	

مجموعه هفده:
۱۰۰۰ تومان
(شامل ۱۰ جزوه)

۱۰۰	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (جلد اول)	۵۰۰ تومان
-----	---	-----------

	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و هشتم)	۱۰۱
	گفتارهای عرفانی (قسمت پنجاه و نهم)	۱۰۲
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصتم)	۱۰۳
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و یکم)	۱۰۴
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و دوّم)	۱۰۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و سوّم)	۱۰۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و چهارم)	۱۰۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و پنجم)	۱۰۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و ششم)	۱۰۹
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت سیزدهم)	-
مجموعه هجده:	شرح رساله شریفه پندصالح (جلد اوّل)	۱۱۰
۱۰۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و هفتم)	۱۱۱
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و هشتم)	۱۱۲
	گفتارهای عرفانی (قسمت شصت و نهم)	۱۱۳
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادم)	۱۱۴
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و یکم)	۱۱۵
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و دوّم)	۱۱۶
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و سوّم)	۱۱۷
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و چهارم)	۱۱۸
	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتاد و پنجم)	۱۱۹
	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت چهاردهم)	-
مجموعه نوزده:	شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم (جلد اوّل)	۱۲۰
۱۰۰۰ تومان (شامل ۱۰ جزوه)	درباره‌ی مزار سلطانی بیدخت و شرح زندگی و حالات اقطاب اخیر	۱۲۱
۵۰۰ تومان	شرح رساله شریفه پندصالح (جلد دوّم)	۱۲۲
۵۰۰ تومان	فهرست موضوعی جزوات	۱۲۳
۵۰۰ تومان	درباره‌ی ذکر و فکر	۱۲۴

مجموعه بیست:	۱۲۵	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادوششم)
۵۰۰ تومان	۱۲۶	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادوهفتم)
(شامل ۵ جزوه)	۱۲۷	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادوهشتم)
	۱۲۸	گفتارهای عرفانی (قسمت هفتادونهم)
	۱۲۹	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادم)
۲۰۰ تومان	۱۳۰	درباره‌ی بیعت و تشرّف
مجموعه بیست و یک:	۱۳۱	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادویکم)
۵۰۰ تومان	۱۳۲	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادودوم)
(شامل ۱۰ جزوه)	۱۳۳	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوسوم)
	۱۳۴	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوچهارم)
	۱۳۵	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوپنجم)
	۱۳۶	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوششم)
	۱۳۷	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوهفتم)
	۱۳۸	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادوهشتم)
	۱۳۹	گفتارهای عرفانی (قسمت هشتادونهم)
	-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت پانزدهم)
مجموعه بیست و دو:	۱۴۰	گفتارهای عرفانی (قسمت نودم)
۵۰۰ تومان	۱۴۱	گفتارهای عرفانی (قسمت نود و یکم)
(شامل ۱۰ جزوه)	۱۴۲	
	۱۴۳	
	۱۴۴	پرسش و پاسخ
	۱۴۵	با گزیده‌هایی از بیانات
	۱۴۶	حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده
	۱۴۷	(مجدوب علیشاه)
	۱۴۸	
	۱۴۹	

۱۵۰	شرح فرمایشات حضرت صادق <small>علیه السلام</small> (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة) (جلد دوم)	۲۰۰ تومان
۱۵۱	درباره‌ی دعا (قسمت اول)	
۱۵۲	درباره‌ی خواب و رویا (قسمت اول)	
۱۵۳	درباره‌ی بیماری و شفا	
۱۵۴		
۱۵۵	پرسش و پاسخ	
۱۵۶	با گزیده‌هایی از بیانات	
۱۵۷	حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده	
۱۵۸	(مجنوب‌علیشاه)	
۱۵۹		
-	شرح رساله شریفه پندصالح (قسمت شانزدهم)	
۱۶۰	درباره‌ی روح (قسمت اول)	
۱۶۱	درباره‌ی دعا (قسمت دوم)	
۱۶۲	درباره‌ی خواب و رویا (قسمت دوم)	
۱۶۳	درباره‌ی شیطان (قسمت اول)	
۱۶۴	درباره‌ی استخاره (قسمت اول)	
۱۶۵		
۱۶۶	پرسش و پاسخ	
۱۶۷	با گزیده‌هایی از بیانات	
۱۶۸	حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده	
۱۶۹	(مجنوب‌علیشاه)	
۱۷۰	رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علیشاه)	۲۰۰ تومان
۱۷۱	درباره‌ی آداب حضور در مجالس فقری (قسمت اول)	۵۰ تومان

مجموعه بیست و سه:
شامل ۱۰ جزوه)
۵۰۰ تومان

مجموعه بیست و چهار:
شامل ۱۰ جزوه)
۵۰۰ تومان

۵۴ / فهرست جزوات قبل

۵۰ تومان	درباره‌ی روح (قسمت دؤم)	۱۷۲
۵۰ تومان	درباره‌ی شیطان (قسمت دؤم)	۱۷۳
۵۰ تومان	درباره‌ی استخاره (قسمت دؤم)	۱۷۴
۵۰ تومان	گزیده‌هایی از گفتارهای عرفانی - بهار ۱۳۹۲	۱۷۵